



برهان، موعظه و جدال احسن؛ روش‌های قرآن برای هدایت انسان

درس تفسیر خود در تفسیر آیات 10 تا 25 سوره مبارکه صافات بیان کرد...

در سوره نحل خداوند خطاب به پیامبر(ص) فرمود «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بَالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»؛ همه مردم در یک سطح نیستند با برهان، موعظه و با مقدمات معقول و مقبول که از آن به جدال احسن یاد می‌شود مردم را هدایت کن.

به گزارش خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، آیت‌الله العظمی جواد آملی دوشنبه، 12 اسفندماه، در ادامه جلسات درس تفسیر خود در تفسیر آیات 10 تا 25 سوره مبارکه صافات بیان کرد: خداوند در این سوره بعد از بیان کوتاهی درباره توحید راجع به معاد سخن فرمود. فرمود از آنها سوال کن که مشکل‌شان در مورد معاد چیست؟ اگر مشکل‌شان فاعلی است که اشکال‌شان قابل حل است اگر از نظر قابلی مشکل دارند نیز قابل حل است و اگر در مورد ضرورت معاد مشکلی دارند حق بودن نظام ضرورت معاد را ثابت می‌کند.

وی ادامه داد: خداوند در این آیات فرمود: «إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِنْ طِينٍ لَازِبٍ» ما اینها را از طین لازب و لازم خلق کردیم. اصل خلقت شان که حضرت آدم است از طین است خود اینها که از نسل آن حضرت است نیز از طین و تراب هستند اما خود انسان‌ها بالاخره از خاک هستند زیرا از موادی غذایی حاصل شده‌اند که از خاک است. بشر کنونی دو قرن قبل در مزرعه‌ها بود و دو قرن بعد هم دوباره به این مزرعه‌ها بر خواهد گشت چرا که این بدن انسانی و جسمانی انسان با خوردن گندم و دیگر محصولات زمین رشد و نمو کرد، بعد پیر شد و وقتی که مرد زیر خاک رفت در قبرستان و این قبرستان بعد از دو قرن تبدیل به مزرعه شد و دوباره به همین باغ و مزرعه برگشت. بنابراین این طین و تراب اختصاص به آدم اول ندارد و همه انسان‌ها از خاک و طین خلق شده‌اند.

مشرکان برهان و موعظه را هم مسخره می‌کنند

این مرجع تقلید بیان کرد: در سوره نحل ایه 125 ذات اقدس اله خطاب به پیامبر(ص) فرمود «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بَالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ» همه مردم در یک سطح نیستند هم با برهان اینها را دعوت کن، هم با موعظه اینها را هدایت کن، هم با مقدمات معقول و مقبول که از او به جدال احسن یاد می‌شود راهنمایی کن. «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بَالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» لذا از این اقامه برهان در آیات سوره صافات به تذکره یاد شده است. یعنی تنها برهان نیست موعظه هم هست. با وجود این وقتی برای آنها اقامه برهان و موعظه هم می‌کنی آنها مسخره می‌کنند و می‌گویند اینها سحر است «وَإِذَا ذُكِّرُوا لَا يَذْكُرُونَ وَإِذَا رَأَوْا آيَةً يَسْتَسْخِرُونَ وَقَالُوا إِن هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ».

مشرکان معاد را بعید می‌دانستند نه محال

آیت‌الله جواد آملی اظهار کرد: خداوند بار دیگر در آیات 15 و 16 اشاره به این می‌کند که دلیل منکران استحاله و محال بودن معاد نیست بلکه دلیل‌شان استبعاد و بعید بودن معاد است. نشان اینکه اینها دلیل بر استحاله ندارند و فقط استبعاد می‌کنند این است که اگر احیای مرده محال باشد فرقی بین اینها و نیاکان اینها نیست؛ از اینکه نیاکان مرده را در این ایه ضمیمه کردند معلوم می‌شود که اینها به فکر استبعاد هستند نه استحاله است «أَلِئذا میثثا وکنتا ترابا وِعِظَامًا أَلِئذا لمبعوثون أَوْآبَاؤُنَا الْأَوَّلُونَ» یعنی این خیلی بعید است کسی که سال‌های قبل مرده و استخوان‌هایش به صورت پودر در آمده است دوباره زنده شود. و خداوند در پاسخ آنها می‌فرماید که بله شما جایی برای استبعاد ندارید چراکه این امر ضروری است «قُلْ نَعَمْ وَأَنْتُمْ دَاخِرُونَ» ای پیامبر، بگو: آری، شما و پدران‌تان زنده خواهید شد، در حالی که خوار و ذلیل هستید».

این مفسر قرآن عنوان کرد: خداوند تاکید می‌کند برای بیدار کردن مردگان بیش از یک تشر لازم نیست و شما و پدران‌تان با یک زجر بیدار می‌شوید «فَلِئَمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ فُلِئذا هُمْ يَنْظُرُونَ» چرا که آن حیات دوباره تنها [در پی] یک بانگ است که آنان را از گورها به صحنه قیامت می‌آورد و ناگهان مبهوت و متحیر می‌نگرند. زمانی که مشرکان زنده شوند دیگر سوال نمی‌توانند بکنند در آن روز چرا که در آنجا هستند آنها می‌گویند «وَقَالُوا يَا وَيْلَتَا هَذَا يَوْمُ الدِّينِ» نمی‌گویند امروز روز برخاستن نیست چرا که آنها برخاستند و منتظر جزا و پاداش و کیفر هستند.

بدترین ظلم کفر است

وی ادامه داد: حالا وقتی که همه محشور شدند و فهمیدند که آن یوم الحشر و جزاست دستور می‌رسد که این سه گروه را کوچ دهید و به طرف جهنم ببرید آن سه گروه کسانی هستند که «الَّذِينَ ظَلَمُوا وَأَرْوَاهُمْ وَمَا كَانُوا يَعْبُدُونَ» کسانی را که ستم کرده‌اند، به همراه شیاطینی که دمسازشان بودند از جایگاهشان به در آورید و نیز آنچه را عبادت می‌کردند» پیشگام همه اینها کافرین هستند چرا که بدترین ظلم همان کفر است.

گناهکاران با شیاطینی که در دنیا با آنها مانوس بودند محشور می‌شوند

این مرجع تقلید ابراز کرد: برای کلمه ازواج وجوهی ذکر شده است که یکی همان شیطانی است که بر اساس آیه 36 سوره زخرف قرین انسان می‌شود «وَمَنْ يَغْشُ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ ثَقِيضٌ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ» هر کس خود را به کوری زند و از یاد خدای رحمان روی برتابد، شیطانی را بر او می‌گماریم و آن همواره دمساز و همنشین او خواهد بود» هر کسی با شیطان خودش محشور می‌شود. احتمال دیگر که منظور همسران مشرک باشد که این خیلی بعید است. تعبیر دیگر که مقداری مانوس‌تر و ظاهرتر است همان است که در اول سوره واقعه در آنها به عنوان زوج یاد کرده است فرمود وقتی صحنه قیامت شکل گرفت انسان‌ها را سه صنف عنوان می‌کند که بعضی از صنف مقربین، بعضی صنف اصحاب یمین هستند و بعضی صنف اصحاب شمال هستند لازم نیست که در گناه مشترک باشد صنف کافران، ظالمان، مشرکان و دیگر گناهکاران یکی است که اصحاب مشتمه می‌باشند. در اینجا هم وقتی گفته می‌شود ظالمان و ازواج آنها یعنی گناهکاران دیگری که در صنف گناهکاران قرار دارند. این مفسر قرآن بیان کرد: بعد از اینکه فرمود اینها را کوچ دهید فرمود: «فَاهْدُوهُمْ إِلَى صِرَاطِ الْجَحِيمِ» این تعبیر هدایت اگر چنانچه تعبیر تحکمی و استهزایی باشد نذیر «فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» قابل پذیرش است ولی در جریان تبشیر تحکم و استهزاء نیست تبشیر همان طوری که برای خبرهای خوشحال کننده مطرح است برای خبرهای تلخ هم بشارت مطرح است؛ زیرا تبشیر و بشارت به گزارشی می‌گویند که در شنونده اثر ایجاد کند، اثرش هم در بشره او پیدا شود، خواه خوشحال شود یا آثار غم اندوه در او پیدا شود بنابراین تبشیر گزارشی است که در انسان تاثیر بگذارد. اگر معنای تبشیر این باشد باز هم مشکلی نیست و قابل پذیرش است و هدایت برای این دو وجه قابل توجیه هست.

هر کدام از ایستگاه‌ها به سمت جهنم تعذیب و تحقیری برای گناهکاران است

وی عنوان کرد: حالا که اینها را به سمت جهنم می‌برید نگه‌شان دارید «وَقَفَّوهُمْ إِيَّاهُمْ مَسْئُولُونَ» فرمود ما نمی‌گوییم آنها را به جهنم ببرید می‌گوییم آنها را به سمت جهنم و راه جهنم ببرید که در این راه آنها را در هر ایستگاه نگه می‌داریم و در هر ایستگاه سوالی از آنها می‌پرسیم یک ایستگاه در مورد صله رحم، یک ایستگاه در مورد روابط خانوادگی سوال می‌کنند یک جا از روابط عبادی و مسائل عبادی سوال می‌کنند یک ایستگاه هم از روابط اجتماعی و... سوال می‌کنند. بنابراین در راه جهنم و بهشت ایستگاه‌هایی هست که مردم را در آنها نگه می‌دارند و در هر ایستگاه یک سوال خاصی می‌پرسند. اینها وقتی از قبر در آمدند این سه گروه را جمع می‌کنند و به سمت جهنم می‌برند و که در این راه ایستگاه‌های متفاوتی وجود دارد که آنها را نگه می‌دارند و از آنها سوال می‌کنند. هر کدام از این ایستگاه‌ها و مواقف برای صنف ظالمان و گناهکاران به منزله تعذیب و تحقیری برای آنها است.